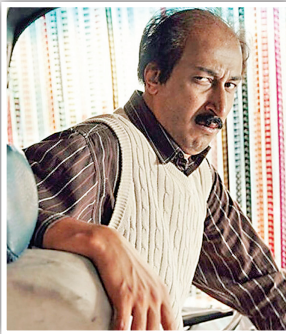


جوان اول سده جدید

بهرام افشاری بازیگری است که می تواند در نقش های کمدی و جدی جایگاه جوان اول این دوران را به دست آورد

علیرضا محمودی

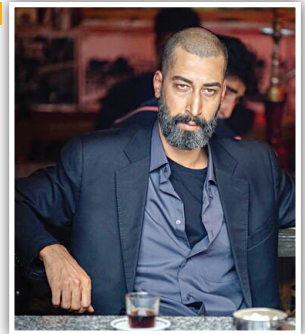
بهرام افشاری در میان بازیگران نقش اول سینمای ایران تنها بازیگری است که می تواند در نقش های کمدی و جدی جایگاه



هفتادسی



فسیل



صحنه زنی



کارگر ساده نیازمندیم



مرد عینکی



زنده شور

و معیاری متقاعدکننده ترین استعداد چندسال اخیر سینمای ایران است. افشاری در هر فیلمی که باشد نگاه ها را به سکانس های حضورش معطوف می کند. حرارت نشاطی که با خود به نقش ها می دهد سرزندگی بازیگری است که معیارش برای خنده و گریه را خوب درک کرده. او فهمیده است که هدر دادن یک موقعیت شلیک به قلب اعتماد بین او و مخاطب است. او قدر موقعیت ها را خوب دانسته که امروز نامش در ذهن مخاطبان جا افتاده. او دیگر بسا توصیف ها و ارجاع هایی مانند بازیگر قدبلندی که در پایتخت بود شناخته نمی شود. او بهرام افشاری است؛ همان بازیگری که در «لانتوری» سبوعیت یک شراآیین جوان، در «کارگر ساده نیازمندیم» مظلومیت یک کارگر مهاجر، در «چشم و گوش بسته» اجرای قابل توجه از وضعیت یک ناشنوا در فیلمی کمدی، در «صحنه زنی» تجسم یک قربانی تمام عیار و در «مرد عینکی» نقش یک افتاده همیشگی در موقعیت های خطرناک را بازی کرد. او در تمام این فیلم ها جدا از موفقیت به عنوان یک بازیگر، چشمه های قابل تأملی از شخصیت پردازی در اجرا را از خود بروز داده و توانسته برای مخاطبان این فیلم ها مجاب کننده باشد. اما همه داستان بازیگری این نیست. انتخاب کارگردانی و بازیگری فیلمی چون «هفتادسی» چیزی جز استفاده از سود موقعیتی نیست که بازیگران باهوش در دام آن نمی افتند. بازیگران بزرگ برای تبدیل شدن به شمایل یک دوران باید بیش از موفقیت، دنبال گسترش موقعیت خود باشند، موقعیتی که جامعه با آنها خود را تعریف می کند. سینما فقط گیشه نیست. بهرام افشاری می تواند جوان اول دوران ما باشد اگر در داستان این دوران در جایی بایستد که مردم بیشتر دوستش داشته باشند. خبرهای خوبی از نه های فراوان و بله های اندک افشاری شنیده می شود. امیدواریم این استعداد غیرقابل چشم پوشی این روزهای سینمای ایران شیر باقی بماند.

موقعیت بزرگ تجاری فیلم «فسیل» ساخته کریم امینی تنها رکوردشکنی یک فیلم تجاری رده ب از سری تولیدات فیلم های عامریان فیلم نبود؛ بازگشت همه جانبه سینمای تجاری ایران به قلب جایی بود که مدت ها از دست رفته بود؛ فتح خاکریزی که سال ها شبکه های اجتماعی پست به پست و کامنت به کامنت در آن سرود فتح می خواندند. «فسیل» بازگشت مردم به سینما برای دیدن و دیده شدن و از همه مهم تر بارها رفتن و دوباره رفتن بود. فسیل شاخ غولی را شکسته بود که دورانی طولانی نفس سردش در همه سالن ها بیداد می کرد. ۷ میلیون تماشاگر «فسیل» دلایل گوناگونی برای تماشاای این درام موزیکال از چرخه فیلم های برچسب دهه ۵۰ به ۶۰ داشتند، اما بدون شک در میان همه دلایل، تماشاای حضور ستاره گون بهرام افشاری یکی از دلایل مهمی بود که در بین صفوف به هم پیوسته تماشاگران در سانس های فوق العاده رد و بدل می شد. جمعیت مزه مزه می کرد همراه ستاره اش؛ من سمورم، اون به شیر. کشتزار غنی هنر همدان تاکنون هنرمندان اعلامی به هنرهای نمایشی ایران هدیه داده. بدون شک فهرست بزرگ ترین دستاوردهای سینمایی قدیمی ترین شهر ایران در حوصله نوشته ای درباره بهرام افشاری نیست؛ کافی است فقط برای جمع شدن خاطر از فیلم بردارانی نورسج و قاب شناس همچون جمشید الوندی، محمدرضا شریفی و امین جعفری نام ببریم تا وقتی از میراث داران یک سرزمین سخن می گوئیم، بدانیم مشغول سخن گفتن از چه هستیم. بهرام افشاری پس از درخشش هائیه توسلی بار دیگر ثابت می کند که گردش چرخه توجه به هنرمندان دور از مرکز همیشه چه شعاعی از استعداد و قریحه رو خواهد کرد. افشاری چه روی صحنه تئاتر، چه در مقابل دوربین و چه در هنگام بازی در نقش آدمی عصبانی و چه هنگام خلق شخصیتی همیشه پرت و دور چنان با دست پر به صدا و حرکت رو می کند که نیازی نیست به چشمان شک کنیم. بهرام افشاری برای هر سلیقه و هر متر

فیلم هایی که امروزی بینیم

تصویر عملیات پیچیده نصر ۴

جانشین (مهدی شامحمدی)



ناهید پیشور

سازنده فیلم برگزیده جشنواره ۲ سال پیش، با فیلم تازهاش به فجر چهل و چهار آمده است. مهدی شامحمدی با نخستین ساخته بلندش «مجنون» به جشنواره چهل و دوم رفت و مورد توجه قرار گرفت. ۲ سال پیش از او یک کارگردان فیلم اولی دیگر هم با فیلمی دفاع مقدسی برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره شده بود: هادی حجازی فر با «موقعیت مهدی» در چهلمین جشنواره فیلم فجر. «مجنون» به عنوان اثری که جان تازه ای به سینمای گرفتار تکرار و کلیشه جنگی بخشید، تحسین های زیادی شنید و شاید همین موضوع باعث شد مهدی شامحمدی در دومین فیلمش هم سراغ ژانر جنگی برود. «جانشین» روایت زندگی پرفراز و نشیب شهید حسین املاکی، جانشین لشکر قدس گیلان است و نقش شهید املاکی را آرمان درویش بازی می کند. شامحمدی پس از نشان دادن توانایی اش در ساخت و پرداخت سکانس های پر مهابت جنگی در «مجنون» که راوی بخش هایی از عملیات خیبر بود، در «جانشین» به عملیات نصر ۴ پرداخته است؛ عملیاتی که به پیچیده بودن شهره است و باید دید مهدی شامحمدی از پس به تصویر کشیدنش چگونه برآمده است. «مجنون» استاندارد در ساخت سکانس های جنگی بنا گذاشت که قاعدتا «جانشین» نباید پایین تر از آن باشد.

دست تنها

زندگی کوچک کوچک

(امیر حسین ثقفی)

امیر حسین ثقفی در طول ۱۵ سال فعالیت حرفه ای فیلم هایی ساخته که هر کدام به نوعی سلاقی و علاقی را بازتاب می دهند، فیلم هایی دور از موج ها و جریان های مرسوم سینمای بدنه که قرار است سینمای مطلوب و شخصی سازنده اش را بازتاب دهند. اگر می شد «مرگ کسب و کار من است» و «همه چیز برای فروش» را در رده فیلم های اجتماعی سینمای ایران با محوریت کاراکترهایی منزوی و بریده از جامعه قرار داد، در فیلم های بعدی ثقفی کوشید تا به نوعی از حیث زیبایی شناسی به سینمای روسیه نزدیک شود. «روسی» و «مردی که اسب شد» با چنین دیدگاهی ساخته شدند و سازنده شان فیلم به فیلم در فضا سازی و شکل دادن به سبک بصری مطلوبش به مهارت رسید و البته از قصه گویی کلاسیک بیشتر و بیشتر فاصله گرفت. در «کوچه ژاپنی ها» و «دست تنها» از زیبایی شناسی روسی به ادای دین به سینمای خیابانی دهه ۵۰ رسید. پس از شکست تجاری-انتقادی فیلم های متأخر ثقفی، به نظر می رسد او در آخرین ساخته اش، رها و بدون قید و بندهای سینمای حرفه ای، سراغ دلمشغولی اش در ساخت فیلم های تجربی رفته است. «زندگی کوچک کوچک» به عنوان فیلمی تجربی که با مشارکت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ساخته شده، جز محمود نظرعلیان، بازیگر حرفه ای دیگری ندارد.



روزنامه چهل و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم فجر

44th FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL
شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۸